



۲۰۱۷/۰۱/۰۳



ولی احمد نوری

استقبال از نوشته

"تأثیر ناگوار تهاجم فرهنگی همسایه ها بر فرهنگ ملی افغانان"

نوشته های نهایت زیبا، پرمحتوا و فریادگر نویسنده وطنپرست و دانشمند فرهیخته افغانستان جناب سراج و هاج "صاحب امتیاز و مدیر مسؤول مجله ملی و با ارزش «درد دل افغان»" را در سایت جوان (آریانا افغانستان آنلاین) خواندم. عمر شان دراز باد و قلم شان بران!!

این نوشتار که زیر عنوان بالا تا حال در سه بخش رقم شده است، هر سطر و هر جمله آن فریاد است برای نجات زبان، فرهنگ و هویت افغان و افغانستان از شر تهاجم فرهنگی کشور همسایه غربی ما "ایران" که نهییش بلند باد. این بنده وطن در پائین هر کلمه، هر سطر، و هر نظر جناب شان امضاء می کنم.

در بخش سوم نوشته شان به نام منحوس و غیر قابل قبول «افغانستانی» متوجه شدم که ساخته و بافته کشور آخوندها و نوکران افغان شان میباشد و این خصومت و کینه تاریخی شان با افغان ها و افغانستان انجام ندارد.

من یکنیم دهه قبل با مطالعه بعضی نشرات جمعیتی ها و هوا داران و نوکران ایران از جمله نشریه ای به نام "امید" که زیر نظر شخصی به اسم محمد قوی کوشان در ویرجینیا اضلاع متحده چاپ می شد، تنها متوجه خطر تهاجم سیستماتیک فرهنگی ایران نه، بلکه متوجه فاجعه تجاوز هویتی افغان و افغانستان از طرف همین گروه های فروخته شده و حلقه به گوش ایران شده بودم و با کمک تعدادی از قلم بدستان ملی و افغان های وطنپرست در برابر آنها قدم علم کردیم و در مقابل هر نوشته و هر حرکت خائنانه و ضد ملی آنها خاصاً برای دفاع از نام مقدس "افغان" و "افغانستان" مبارزه بی امان نمودیم.

اکنون می خواهم با اظهار تشکر و سپاس از نویسنده و ژورنالیست توانا جناب سراج و هاج این دوسیه را دوباره باز کنم و همه نویسندگان و قلم بدستان را که هنوز قلبی در سینه شان برای افغانستان می تپد دعوت کنم که همه گفتنی های شان را در مورد، بنویسند و قرض خود را در برابر افغانستان و هویت مقدس افغانیت آن و فرهنگ سچ و اصیل آن اداء نمایند.

من در اینجا، از اولین نوشته ام که زیر عنوان (استعمال نام افغانستانی جرم است) و در بیشتر از چهارده نشریه مختلف در داخل و خارج افغانستان نشر شد و در کنفرانس های افغان ها در کشور های مختلف مورد بحث و مذاقه قرار گرفت، شروع می کنم.

*** **

این هم آن نوشته و این هم شما....

استعمال نام «افغانستانی» جرم است

و حذف اسم افغان از تذکره تابعیت خیانت است



هم میهنان! صدای مؤدت عیان کشید چون مرغ حق ز شاخ محبت فغان کشید
در منزل شرافت وحدت، شوید جمع با دست باهمی همه دشمنان کشید
(باقی قایلزاده)

نوشته ای را که می خوانید از قلم يك پشتو زبان رقم نشده و نه از احساس تعصب و تفرقه افگنی تراوش کرده است، چه من با وصف آن که از طرف والدین به هر دو قوم شریف افغانستان یعنی پشتون و تاجیک منسوب هستم، دری زبانم و نه تنها به این دو قوم وطنم بلکه به همه اقوام این سرزمین آبیایی ام می بالم و مباحات می کنم. تفرقه افگنی و صدمه به وحدت ملی را از هر طرفی که باشد با تمام قوت محکوم کرده مردود می شمارم.

با ایجاد افغانستان از طرف آبا و اجداد ما، و با ایثار و فدا کاری و قربانی هزارها تن، این سرزمین پرافتخار آبیایی به همت فرزندان و احفاد این مرز و بوم از اشغال و تعرض بیگانگان حفظ گردید. مجاهدین واقعی این میهن آزادگان با فدا نمودن جانهای عزیز شان و با پذیرفتن آوارگی خانواده و فرزندان شان باز هم این وطن آزاده خود را از هر نوع تجاوز و تعرض نجات دادند.

از برای کسب قدرت خدمت غیر می کنند

شرم و عاری نیست یاران، آدم مزدور را

(آصف امانت)

در این چند سال اخیر در بعضی از روزنامه ها و نشریات خارج کشور عده ای در صدد آنند که اصطلاحات فارسی ایران را به عوض کلمات سچه دری یا کلمات معمول عربی را که در زبان ما از قرن ها به اینطرف عجین شده است به کار برند که نه تنها خوش آیند نیست، بلکه رنج آور هم است. ولی تعویض کلمه «افغان» به «افغانستانی» بی اندازه نامأنوس و غیر قابل قبول و توهین آمیز است. همانگونه که ما به خود اجازه نمی دهیم که به برادران ایرانی خود (ایرانشستانی) بگوئیم به ایرانی ها هرگز اجازه نمی دهیم نام شریف و مقدس افغان را (افغانی) یا (افاغنه) و یا بدتر از آن (افغانستانی) بگویند.

این نام مضحک و جعلی در سالهای هشتاد میلادی بعد از کودتای فاجعه انگیز کمونیستی در کشور ما و در اثر لجام گسیختگی نشرات جهادی در خارج سرحدات ما گاه گاهی به نظر می رسید، ولی با تأسف تدریجاً با گذشت زمان از طرف دشمنان وحدت ملی و اجیران همسایه های طماع افغانستان بیشتر رائج گردید، تا اینکه از دائره احترام به کرامت افغانی پا فراتر نهاده و پیوسته در يك تعداد نشرات افغانی خارج به شمول هفته نامه «امید» و دیگر ایرانی مشرب ها و حتی در بعضی نشریه های داخل کشور هم به ملاحظه رسیده موجبات بیزاری و تنفر خاطر را بیار آورده است.

از نگاه حقوق عمومی بین الدول، اصولنامه ها و قوانین اساسی افغانستان منحیث وثایق ملی و اخیراً تصویب لوی جرگه سال ۱۳۸۲ هـ ش (۲۰۰۳ م) منعقد کابل نام «افغان» برای اتباع افغانستان تأیید، تأکید و تصویب شده است. و هر گونه تلاش و اقدام برای از بین بردن این هویت مقدس «افغان» یا حذف اسم «افغان» از تذکره تابعیت افغانستان باید منحیث جرم نابخشودنی و حتی خیانت ملی محسوب گردد.

در میثاق ها و معاهدات بین المللی که افغانستان در پایان آنها امضاء و تعهد کرده است، اتباع افغانستان به نام «افغان» یاد شده اند، نه «افغانستانی». آیا باید این همه میثاق ها، معاهدات و مقالات تعدیل گردند؟ و آیا تعدیل آنها تنها به زعم چند فتنه انگیز و بیگانه پرست مورد قبول جامعه افغانی و بین المللی قرار گرفته می تواند؟

آثار، کتب، نوشته ها و مقالات، تحقیق ها و تیزس های لیسانس و دکتورا ها که از بیشتر از يك قرن در سراسر جهان در باره افغانستان نوشته و چاپ شده است و در مراکز علمی و کتابخانه های معظم جهان وجود دارد و در همه آنها به تبعه افغانستان «افغان» اطلاق شده است، باید تعدیل گردند؟

آیا می شود نام «مستوره افغان» زن ادب پرور، آزادمنش و مبارز راه آزادی زنان افغانستان را بعد از يك صد و چند سال [متولد ۱۲۸۷ هـ ش] تغییر داد و منبع «مستوره افغانستانی» اش خواند؟

آیا می توان سخنان شعراء و دانشمندان بزرگ افغانستان را، مثل علامه سلجوقی، استاد بزرگ خلیل الله خلیلی ملک الشعراء افغانستان در عهد فرخنده ظاهرشاه، احمد علی کهزاد مؤرخ راستین افغانستان، سرور جويا، رحيم الهام، مولوی خسته، صدیق حیا و ... و ... که در باره این زن دانشمند افغان سه ربع قرن پیش، زده اند و یاد او را گرمی داشته اند، به خاطر نوشته و یا گفته چند تن مردمان هرزه و فرومایه تعدیل نمود؟

آیا «خال محمد خسته» از گورش برخیزد و تذکره شعرايش را دوباره بنویسد؟ تا سبب رضایت این مفتین و دشمنان افغانستان گردد؟

آیا کتاب «پرده نشینان سخنگو» اثر «ماگه رحمانی» که بیش از نیم قرن قبل در کابل به چاپ رسیده، و در هر صفحه و هر پراگرافش بار ها از نام مقدس افغان و نام مقدس تر افغانستان یاد شده، دوباره طبع گردد؟
آیا تذکره الشعراء حنیف بلخی را، تحت عنوان «پر طاووس یا شعر دری در آریانا» به خاطر ارضای چند نفر خارجی پرست تجدید چاپ کرد که نام «میر هوتک افغان» به «میر هوتک افغانستانی» عوض گردد؟

با نام بزرگمردی همچو **شیخ جمال الدین افغان چه باید کرد؟** آیا منبعد شیخ جمال الدین افغانستانی اش باید خواند؟ نام آن فرهیخته مردی را که «ویکتور هیوگو» بزرگترین شاعر و نویسنده فرانسوی به دوستی او می بالید باید تغییر داد؟ به خاطری که باداران چند نفر خود فروخته، این خیانت را خواسته اند! **(باز هم نفرین بر شما ای فرزندان ناخلف و ناپاک این سرزمین پاک!)**

از برای جیفه دنیا و غصب مال و جاه
میکنی بازی به نام نیک افغان، ای شقی!

به لحاظ خدا بیایید این شعاری را که هشتاد و چند سال پیش شاعر نابینای کشور ما مرحوم "باقی قایلزاده" که از هموطنان تشیع ما و از یک قوم با افتخار غیر پشتون است و با چه احساس سروده است، ورد زبان خود سازیم و به آن عمل کنیم:

پشتون و تاجک و قزل و ازبک و مغل این اسم ها ز دفتر ملی روان کشید
فقط به نام ملت افغان ستان، همه آئید جمع و مطلب خود شادمان کشید

در هفته نامه امید شماره (۶۲۶) صفحه ۱۲ ستون اول - حمل ۱۳۸۳ هجری شمسی) از زبان يك مأمور عالی رتبه افغانستان در عوض نام «افغان» کلمه «افغانستان» به نشر رسیده است. اگر استعمال این کلمه از زبان این مأمور عالی رتبه افغان را خبرنگار ایرانی (ایرنا) جعل کرده باشد و یا از طرف کارکنان جریده امید عمداً چنین تصرفی در خبر مذکور به عمل آمده باشد، اصولاً باید مسئولین اطلاعات و کلتور در برابر آن عکس العمل جدی نشان دهند.

آیا می توان پذیرفت که یکی از وکلای مردم افغانستان یعنی [افغان ها] در ولسی جرگه "آقای لطیف پدram" همکار نزدیک داکتر نجیب الله در رژیم منحن کمونستی که به (ایرانوفیل) شهرت دارد، در تجمعات و یا به اصطلاح خودشان در "نشست های" ایرانی ها در فرانسه هیچ وقت نام «افغان» را برای تبعه افغانستان به کار نبرد و یا مثل ایرانی ها «افغانی» بگوید که نام (واحد پول) افغانستان است نه نام تبعه آن! و یا «افغانستانی» بگوید که کلمه نامائوس و غیر قابل قبول است؟ و با آنها خود را برای وکالت مردم افغانستان کاندید نماید.

آیا می شود که اتباع ایران، ازبکستان، تاجکستان، ترکمنستان و قرغستان . . . و . . . را به نام ایرانستانی، ازبکستانی، ترکمنستانی، و قرغستانی یاد کرد؟ شاید الهام از کلمه پاکستانی باشد و یا هندوستانی. ولی این «ستانی» تا «ستانی» [پسونند] رائج شود، هر ولایت افغانستان خود را با ایزاد «ستانی» (فلان ستانی) خواهند نامید. چنانچه چندین بار کوشش شده است که نام هزاره جات ما را به «هزارستان» عوض کنند و مزار را به «مزارستان» تجدید نام کنند.

نام «افغان» برای اتباع کشور افغانستان به رویت اسناد، کتب و نوشته های تاریخی بیشتر از دو صد سال سابقه دارد. از دوره (احمدشاه درانی) تا زمان (حامد کرزی) همین نام «افغان» برای اتباع این کشور قبول شده بود و اکنون هم در زعامت اشرف غنی از طرف یک اکثریت عظیم مردم قبول شده است. در سال ۱۹۲۱ میلادی این نام برای اولین بار به صورت رسمی به حیث نام تبعه افغانستان در وثیقه ملی کشور ما به نام نظامنامه ملی از طرف لوی جرگه پغمان که تحت زعامت اعلیحضرت امان الله خان افتتاح و تشکیل گردیده بود، تائید و رسماً پذیرفته شد. بعداً هم در قوانین اساسی که درین عصر با شکوه پایه گذاری شده همین نام «افغان» برای اتباع کشور ما به کار رفته است.

در آغاز قرن بیست و یکم باز هم لویه جرگه تاریخی ۱۳۸۲ هجری شمسی (۲۰۰۳ میلادی) که برای تأیید قانون اساسی در کابل پایتخت افغانستان منعقد گردید، تبعه این مرز و بوم را «افغان» خواند.

در متن قانون اساسی ۱۳۴۳ هجری شمسی. (۱۹۶۴ میلادی) دهه (طلایی) دموکراسی در عصر شاهی مشروطه تحت زعامت اعلیحضرت (محمد ظاهر شاه) که قانون اساسی امروزی از آن استنباط گردیده، نام «افغان» برای تبعه افغانستان بیشتر از ده مرتبه به کار رفته است.

ما افغان ها همان طوری که مکلفیت داریم از حقوق خویش بر اساس احکام و مواد این وثیقه ملی حفاظت و حمایت نماییم، باید همانطور مکلف باشیم که وجایب و وظایف خویش را نیز طبق احکام و مواد این وثیقه ملی احترام و اجراء نماییم، که به کار بردن نام «افغان» برای اتباع افغانستان یکی ازین وجایب است. [. . . بر هر فرد از افراد ملت افغانستان کلمه افغان اطلاق می شود. . .] (بند سوم ماده چهارم فصل اول قانون اساسی افغانستان). و با بی احترامی به آن باید از طرف قانون و دیوان عالی قضاء و مردم مؤاخذه گردیم.

چراغ عقل را گر ما به مغز خود بر افروزیم نباید کرد کاری برخلاف رأی این ملت

(سید حسن آشفته باختری)

اقبال لاهوری شاعر متفکر نیم قاره در آغاز قرن بیستم گفته است:

آسیا يك پيكر آب و گل است
ملت افغان در آن پيكر دل است



آیا همین کافی نیست که ما همه باشندگان این کشور، از هر قوم و تباری که باشیم، به «افغان» بودن خود افتخار نماییم؟ من این مقال را روی صفحه جهانی اینترنت می گذارم تا تمام افغان ها در هر گوشه و کنار جهان که باشند آنرا مطالعه نمایند، و آرزو دارم برای يك بار سنت مطبوعاتی را شکسته و این نوشته را در همه نشرات افغانی، روزنامه ها، مجلات، هفته نامه ها، و ماه نامه های داخل و خارج افغانستان به چاپ برسانیم تا مردم نجیب افغان متوجه اهمیت این موضوع گردند.

در انجام باز هم تکرار می‌کنم که من این نظر را از راه تعصب ننوشته‌ام، من دری زبان هستم ولی به هر دو زبان نه تنها احترام دارم بلکه به آنها عشق می‌ورزم و اکثر مقالات، نوشته‌ها و آثاری که به طبع رسانیده‌ام یا زیر طبع است به زبان دری نوشته‌ام، و سوگند یاد می‌کنم که از تفرقه اندازی نفرت دارم.

ختم

** * **

تبصره :

این نوشته در ماه می ۲۰۰۴ میلادی در اکثر وبسایت‌های جهانی اینترنت گذاشته شده است و در ماه‌های می و جون ۲۰۰۴م در نشرات آتی افغانی در اقصای جهان چاپ گردید:

جریده (اراده) چاپ شهر کابل
جریده (زرنگار) چاپ شهر مانتریال کانادا
جریده (افغان رساله) چاپ شهر آنتاریوی کانادا
جریده ملی (افغانی تولنه) (میاشتنی ملی خپرونه) په پشاور کبني
جریده (کیوان) چاپ شهر سانفرانسیسکو ایضلاع متحده امریکا
هفته نامه (امید) شماره ۶۳۲ چاپ شهر الکسندریه ایضلاع متحده امریکا
مجله (عقاب آریانا) شماره ۸۰ چاپ شهر میونشن جمهوریت فدرال آلمان
مجله (آئینه افغانستان) شماره ۹۵ چاپ شهر مان کلیر ایضلاع متحده امریکا
مجله (درد دل افغان) چاپ شهر کانکورد کلیفورنیای ایضلاع متحده امریکا
مجله (صلح و افغانستان امروز) شماره ۱۴ چاپ شهر بن جمهوریت فدرال آلمان

۲۰۰۴/۰۵/۰۱